

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

موسوی

اول مارچ ۲۰۱۲

## تنبیه کرزی و یا تدارک حمله بر ایران

خوانندگان عزیز که وقت خواندن نوشته های این قلم را می یابند، حتماً به خاطر دارند که به تاریخ ۲۴ فبروری ۲۰۱۲ زیر عنوان «اسلام نمائی های "کرزی- اوپاما"، تقلید میمونوار از "نجیب- گوریچوف» از همین قلم در پورتال آزدگان(افغانستان آزاد- آزاد افغانستان) مطلبی به نشر رسید که در آن خیزش تظاهراتی مردم علیه امریکا به بهانه سوختاندن قرآن تحلیل شده بود.

در آن نوشته ضمن چند اگر و مگر دیگر، به این نکته نیز اشاره صورت گرفته بود، که در پس سوزاندن قرآن می تواند قصد و اراده مقامات امریکائی پنهان باشد، دلیل چنان اقدام رذیلانه و تحریک آمیزی در دو بعد یعنی فریب مردم امریکا و استمزاج طالب مشخص شده بود.

اما اینک و به دوام تحولات جدیدی که در افغانستان و منطقه اتفاق افتاده، ضمن آن که حدس قصدی بودن آن حرکت رذیلانه را از جانب مقامات امریکائی تقویت می نماید، می تواند در کل به خاطر امر دیگری صورت گرفته باشد، و آن امر تدارک حمله بر ایران است، زیرا:

در اساس بر همه روشن است که امپریالیزم و کشور های اشغالگر هیچ گاهی حاضر نیستند، بدون کدام مقصد معینی، گزارش خیزش خلقهای مستعمرات را با چنان شاخ و پنجه ای بیان دارند که آدم و عالم به ضعف و ناتوانی سیستم امپریالیزم پی برده، برای متحدین نیروهای اشغالگر به خصوص سرمایه های متحرکی که ناف شان با فعالیت های نظامی گره خورده است، تشویش ایجاد نماید.

وقتی از این منظر به قضایای چند روز اخیر افغانستان نظر اندازی صورت می گیرد، دیده می شود که امپریالیزم خلاف سیاست تبلیغاتی اش در قبال مستعمرات و خیزش خلقهای آن کشور ها، به جرعه های کوچک حرکت مسالمت آمیز مردم حوالی بگرام آنقدر دمید و سوخت انداخت و هیزم کشی کرد که آن جرعه را به آتش مهیب و در ظاهر خارج از کنترل اشغالگران مبدل نمود تا در قبال آن به اتخاذ سیاست های جدیدی مجبور شدند، یعنی به محض گسترش آتش در گام نخست اشغالگران امریکائی و انگلیسی به بهانه تأمین امنیت جان کارمندان ملکی شان، همه را به صورت موقت از کار دور نمودند و به دوام آن دو ماشین کشتار دیگر ناتو یعنی دولت های فرانسه و المان نیز، با نمایش یک عکس العمل بالاتر از حد لازم توأم با دستپاچگی کارمندان و مشاوران ملکی شان را از رفتن بالای کار

باز داشته، شخص سرقومندان اعلی اردوی اشغالگر ناتو جنرال "آلن" نیز بیکار نمانده از تمام کشور های هم پیمان ناتو در افغانستان خواست تا جهت حفظ جان و امنیت افراد غیر نظامی شان، آنها را موقتاً از رفتن به کار ممانعت نمایند.

بدر نظر داشت چنین وضعیتی جا دارد از خود بپرسیم:

آیا واقعاً خیزش تظاهراتی دهه سوم ماه فبروری آنقدر مهیب و خطرناک بود که غرب به چنین سیاستی دست یازید و آیا در طول ده سال اشغال هیچ اتفاق افتاده است که مردم افغانستان به عوض سربازان اشغالگر بر افراد ملکی آنها هر چند اکثریت قریب به اتفاق آنها جواسیس نهاد های استخباراتی خود شان اند، حمله آورده آنها را به قتل رسانیده باشند؟ از آن گذشته در جوشاجوش یک درگیری در تمام ابعاد و جوانب آن، آیا تبارز چنین وضعی باعث تشجیع و پیشروی نیروهای مخالف نمی گردد که آنها به چنین حرکتی دست زده اند و اگر به حکم منطق باعث تشجیع و پیشروی می گردد، آیا ستراتیژیست های ناتو به صورت عام و امریکا و انگلیس به صورت خاص آنقدر خر اند که ندانند نباید به چنان کاری دست بزنند!؟

وقتی به سوالات مطرح شده دقت می نمائیم و در می یابیم که جواب همه آنها منفی است، یعنی نه تظاهرات آنقدر گسترده و عمیق بوده که خیزش های پارینه را کم رنگ سازد، نه افغانها در طول این ده سال بر مردم به اصطلاح ملکی حمله نموده اند و نه هم ستراتیژیست های امریکائی و شرکاء مغز خر خورده اند تا ندانند که چه می کنند، پس باید علت چنین عکس العمل غیر لازم و هیجانی در جای دیگری نهفته باشد که سردمداران تجاوز از یک جانب می خواهند کار های شان را انجام دهند و از جانب دیگر کسی به هدف اصلی آنها پی نبرد.

با در نظر داشت اوضاعی که فعلاً در جهان حاکم است و با در نظر داشت آن که امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم جنایتگستر امریکا و سگ هار آن صهیونیزم اسرائیل همه روزه طبل جنگ و تجاوز علیه ایران را بلند و بلند تر می نوازند و در شست و شوی مغزی مردم آنقدر جلو رفته اند که هیچ کس از خود نمی پرسد اسرائیل به کدام حقی به چنین جنایتی می خواهد دست بزند؟ و همه فقط از بحث روی عواقب آن صحبت نموده اراجیف رسانه های امپریالیستی- صهیونیستی را تکرار می نمایند و اگر اینجا و یا آنجا کسانی قلم به دست می گیرند و می خواهند چنان جنایتی را افشاء نمایند و با در نظر داشت تراکم اسلحه های متنوع در منطقه، آن را جنایتی می دانند که تلفاتش از حدس و گمان بیرون است، چنان صدائی در اوج تبلیغات امپریالیستی چنان گم می شود که کمتر کسی به ماهیت تجاوزکارانه و ناحق چنین جنایت آشکاری پی برده می تواند؛ آیا نباید فکر کرد که تمام این از صحنه کشیدنیهای افراد به اصطلاح ملکی و همه را در تحت حفاظت ارتش های اشغالگر قرار دادن، صرف به خاطر آن است تا در صورت حمله بر ایران، جنایتکاران غربی را که در لباس غیر نظامی به آدم کشی اشتغال دارند، از انتقام مردم افغانستان که در بخش هائی از آن، رژیم ولایت جهل دست دراز دارد، مصون بدارند؟؟

وقتی به ولایت هائی که در آنها تظاهرات به خاطر سوزانیدن قرآن صورت گرفته نظر انداخته می شود و چگونگی نفوذ سیاسی، عقیدتی و استخباراتی ایران را در آن مناطق می بینیم، و همچنان ولایاتی که در آنها فرانسه و المان فعال اند، دقت می نمائیم به این نکته می رسیم که نباید غافلگیر شده با خود فریبی که "ان شاء الله گربه است" آرام خوابیده و دستان خونین جنایتکاران را از دیده دور داشت.

برای من اتخاذ سیاست اخیر به همان پیمان که می تواند جهت تأدیب کرسی و باندش باشد اگر نه بیشتر از آن بلکه به همان اندازه، می تواند به منظور آخرین تمهیدات و آمادگی ها غرض تجاوز بر ایران صورت گرفته باشد. آینده روشن خواهد کرد که کدام حدس بیشتر مقرون به حقیقت خواهد گردید.